

خیال روی تو

نویسنده

فاطمه درویشی (صبا)



انتشارات پایتخت

خیال، روی تو

نویسنده: فاطمه درویشی (صبا)

زیر نظر گروه کارشناسی
صفحه آرا: جواد نیک خصال
ناظر چاپ: منوچهر صالحی
اپ و صحافی: نوین
پ او: تابستان ۱۳۹۷
شماره ان: ۰۰
جلد
تومان: ۱۰۰۰

سرشناسه:	درویشی، فاطمه، ۱۳۶۵
عنوان و پدیده آورنده:	خیال روی تو، فاطمه درویشی
مشخصات نشر:	کرج: پایتخت، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	۴۴۲ ص، ۴/۵×۲۱/۵
شابک:	978-600-8684-98-5
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	داستان های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره:	۹۱۳۹۷ غ ۸۷۶۴۴ ر ۸۲۴۴ PIR
رده بندی دیویی:	۸۶۲/۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۷۷۲۱۲۳

نشر پایتخت: کرج بین چهارراه مصباح و
چهارراه کارخانه قند، جنب بانک مسکن، ساختمان ۲۸۵
۰۹۱۲۳۶۳۲۸۵۳ ۰۲۶-۳۲۲۶۲۱۰۵

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

مقدمه ...

قدرت های انسانی گاهی در ذهن چنان فوران میکند که لبریز شدن و پر شدن از احساسات، انسان را به هدف هایی بزرگ نزدیک میکند، اما پرتگاهی بنام پایان وجود شان را خالی میکند و در خود غرق....

نویسنده داستان چنان در شخصیت ها غرق شده که گاهی برای آنان حرف میزند و درد خود را در قالب شخصیت ها به تماشا میگذارد. انگار وجودش اکند از عشق هایی هست که سائر وجودش را لبریز و دلش را بدرد آورده است. اما گاهی در مسیر دلمان سکوت ها و درون نگری ها به ما نشان میدهد که نویسنده چاشموی برای حرف زدن دارد ولی زبانش الکن است.

خواسته هایش به مانند شخصیت ها پر احساس و لبریز است حالا این پر شدن به چه معنا باشد باز او خود را در آن احساسات شریک میکند و ما را در مسیر داستان ناخودآگاه بفکر خودمان میرویم و هزار بار تکرار میکنیم که ماهم این لحظات را تجربه کرده ایم. اما شخصیت ها گاهی مخالف او حرف میزنند و ما برافروختگی نویسنده را در جواب دادیم او به مخالفها کاملاً احساس میکنیم و باز دلمان بدرد میاید داستان پراز احساسات ضد و نقیضی است که نویسنده ناخودآگاه به افکار مورد علاقه خود بیشتر پرداخته و سعی کرده با تفهیم آن راهی برای شناختن خودش به ما نشان بدهد. و گاهی افکار مخالف خود را چنان تنبیه و بد می داند که اگر چنین شخصیتی خواننده داشته باشد از خودش متنفر می شود.

اما زیبایی ذهن نویسنده در همه جای داستان قابل لمس و زیبا ست اما گاهی زیبایی داستان به شخصیت ها لطمه می زند و از مسیر خارج می شود اما تنش ها و احساسات باز خواننده را مجبور می کند که این لطمه ها را نادیده بگیرد و دوست داشته باشد.

در فصل اول داستان ما سریع وارد جریان می شویم و تا آخر این مسیر را بدون نیاز به دانستن اتفاقات خاص و شاید همان احساسات تند و غیر قابل کنترل تا آخرین فصل داستان همراه می شویم. شخصیت های داستان گاهی از خود انسانیت دور می شوند و راستی ها را در پشت پرده های شک و نیرنگ پنهان می کنند. آنان گاهی انقدر دلنشین می شوند و دوست داشتنی که خواننده را مجبور به دوست داشتن میکند اما وجود واقعی شان گاهی چنان زهره را می بارد که لذت دوست داشتن را در وجود خواننده نابود میکند.

انگار باید دوباره عاشق شدن را درس داد و در کلاس های اول به انسان ها یاد داد تا وقتی در دانشگاه زندگی در مانده شدی بتوانی عشق را انچنان که شایسته است بشناسی و این روحیه ای است که نویسنده سعی دارد در کل داستان برای ما در مورد آن اظهار نظر کند. و چه صحبت زیبایی هست.....

نویسنده بعنوان اولین هنر نویسندگی خود خواننده آنچه در ذهنش هست را به زیبایی به تصویر کشیده است و قابل تحسین می باشد. برای این نویسنده جوان آرزوی موفقیت داریم.

مهدی بلوچ